



۱۱

انتشار ۲ کتاب تازه از حسین صفا

تحلیل زبان شناختی عبارت «جان پدر کجاستی؟» در گفت وگو با محمدکاظم کاظمی، شاعر افغانستانی مقیم ایران

این فارسی روزمره ماست

۱۰

راسل کرو در منفی ترین نقش سینمایی خود

جاده طولانی دردسرساز

۱۲



فرهنگ

یکشنبه: ۱۸ آبان ۱۳۹۹ :: شماره ۵۷۹۷



دکوری به نام خانه سینما

اوضاع سینما پیش از کرونا هم چندان تعریفی نداشت، چه رسد به این شرایط شیوع کرونا که سینما را دچار بحرانی بزرگ کرده است. روزی نیست که شاهد اعتراض و گلایه‌ای نباشیم. حسن هدایت، کارگردان پیشکسوت و سازنده آثاری چون سریال کارآگاه علوی و فیلم‌هایی چون چشم شیطان و آخرین بندر، یکی از این افراد معترض به وضعیت موجود سینماست. او در خصوص دست‌خالی مدیریت سینما در سال آخر حیات دولت گفت: بی‌تدبیری دولت فقط شامل حال سینما نیست و متأسفانه اوضاع سایر حرفه‌ها و مشاغل هم بحرانی است. اگر ما سینماگران بی‌تدبیری‌ها در سینما را بیشتر لمس می‌کنیم به دلیل آن است که خانه ما سینماست و با سینما درگیر هستیم و محل کار و تأمین معیشتان از این هنر- صنعت است. این کارگردان در گفت‌وگو با سینما پرس افزود: بنده از سال‌ها قبل گفته و بارها تکرار می‌کنم دولت اگر واقعا دغدغه هنر و رشد سینما دارد باید سینما را به حال خود رها کند که اگر این اتفاق بیفتد، سینما راه خودش را برای تعالی و رشد پیدا خواهد کرد. ما باید آگاه باشیم مدیریت غلط

در روزهای گذشته برج‌آزادی در اقدامی همدلانه معنیش به پرچم کشور افغانستان شد/ عکس: پرنیا



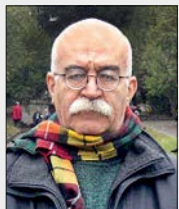
گزارش جام جم از همدردی ایرانیان در حوزه‌های فرهنگ، هنر و رسانه با مردم افغانستان در سوگ قربانیان دانشگاه کابل

جان پدر کجاستی؟

+ گفت وگو با محمدکاظم کاظمی و سیده تکتکم حسینی



در جست‌وجوی هنرمند از دست‌رفته



امروز سالروز درگذشت مهدی سبحانی مترجم شناخته‌شده است

هرقدر مارسل پروست، نویسنده نامدار فرانسوی وقت صرف کرد و زمان مشهور و هفت جلدی «در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته» را طی چند سال نوشت، همان‌قدر و حتی بیشتر، مهدی سبحانی عمرش را برای ترجمه شایسته این اثر بزرگ ادبی گذاشت و خدمتی بزرگ به فارسی‌زبانان علاقه‌مند به ادبیات کرد. سبحانی حتی اگر همین یک کار را هم انجام می‌داد، کاری سترگ را به سرانجام رسانده و بر جایگاه و ماندگاری‌اش مهر تأیید زده بود. اما خوشبختانه این فقط یکی از کارهای ارزشمند سبحانی است و این هنرمند چند ساحتی به‌عنوان مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار، نقاش، مجسمه‌ساز و عکاس، آثار ماندگار زیادی از خود به جا گذاشت. سبحانی که سال ۱۳۲۳ در قزوین به دنیا آمد، زندگی پرباری را تجربه کرد و از این تجربیات به بهترین شکل برای خلق آثار ادبی و هنری مختلف بهره‌گرفت. او حتی در یک دوره‌ای برای تحصیل در رشته کارگردانی سینما به ایتالیا رفت و دوره‌ای را در چینه چیتا (استودیوی مشهور ایتالیا) گذراند و با فرانچسکو زری، کارگردان مشهور ایتالیایی و سازنده فیلم‌هایی چون مسیح در ابولی توقف کرد. سال‌واتوره جولیانو و ماجرای ماتی هم فاقتی داشت. البته سبحانی آدم بی‌قراری بود و یکجا بند نمی‌شد و دوست داشت از لحظه لحظه عمرش استفاده کند و استعدادش را در هنرهای مختلف بروز دهد. برای همین همان‌طور که بیشتر تحصیل در رشته نقاشی را در دانشگاه تهران رها کرده بود، درس خواندن در رشته سینما و در فرهنگستان هنرهای زیبای رم را هم رها می‌کند و دوباره سراغ تحصیل در رشته نقاشی می‌رود.

اسم فیلم

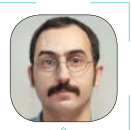
اسم مستند نیکی کریمی، یادآور رمان «داشتن و نداشتن» نوشته ارنست همینگوی است. قصه این اثر ربطی هم به مضمون مستند نیکی کریمی دارد و داستان یک ناخدا قلیق ماهیگیری را روایت می‌کند. هاوارد هاوکس، کارگردان مشهور سینما در سال ۱۹۴۴ براساس همین داستان، فیلمی با بازی همفری بوگارت، لورن باکال و والتر برنات ساخت. همچنین اسم فیلم کریمی کمی هم یادآور «بودن یا نبودن» ویلیام شکسپیر، یکی از تأثیرگذارترین بندهای ادبی جهان است که شاهزاده دانمارک در نمایشنامه «هملت» به زبان می‌آورد. بحث نیکی کریمی در این فیلم داشتن و نداشتن و بودن یا نبودن فرزند به دلیل مشکل نازایی و ناباروری است؛ یعنی زوج‌ها علاقه‌مند به داشتن فرزند هستند اما به دلایل پزشکی، از نعمت فرزند محروم هستند. بنابراین اسم فیلم کریمی، در گام اول و در ویتترین، به‌خوبی فضای فیلم و مضمون اثر را ترسیم و پیش روی مخاطبان قرار می‌دهد و تکلیف او را تا حدودی روشن می‌کند که با چه اثری روبه‌روست.

رود دغدغه‌مند به فیلمسازی

نیکی کریمی، مستند داشتن یا نداشتن را سال ۷۸ ساخت؛ سالی که کریمی به عنوان بازیگر در چهار فیلم حضور یافت؛ نسل سوخته به کارگردانی رسول ملاقلی‌پور، میکس به کارگردانی داریوش مهرجویی، دختران انتظار به کارگردانی رحمان رضایی و بازیگر به کارگردانی محمدعلی سجادی. کریمی پیش از این چند فیلم خوب و ماندگارش را بازی کرده بود، فیلم‌هایی مثل عروس، سارا پری، بوی پراهن یوسف و دوزن و بعد از ۷۸ هم چند نقش آفرینی خوب دیگر در سینما داشت از جمله واکنش پنجم و دیوانه‌ای از قفس پرید. بنابراین کریمی موقعی تصمیم به کارگردانی گرفت که چهره‌ای شناخته شده و محبوب در بازیگری بود. این‌که بازیگری چون او با چنین دغدغه اجتماعی به کارگردانی ورود

میم مثل مادر شدن

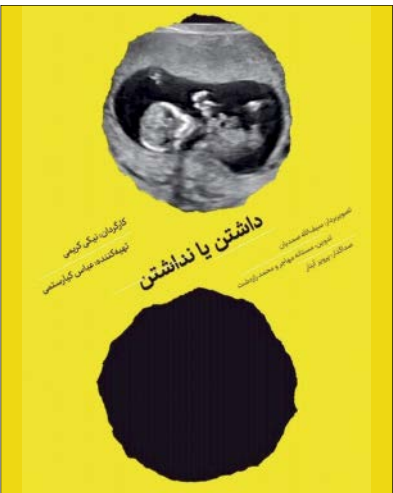
درباره مستند «داشتن یا نداشتن» نیکی کریمی که بعد از ۲۱ سال این روزها دیده می‌شود



علی رستگار

سینما

نیکی کریمی، بازیگر و کارگردان سینمای ایران که فردا ۴۹ ساله می‌شود، ۲۱ سال پیش وقتی در اوج دوران بازیگری‌اش به سر می‌برد و یکی از ستاره‌های سینمای ایران بود، کارگردانی را با ساخت «داشتن یا نداشتن» شروع کرد؛ یک مستند پژوهشی با موضوع نازایی و ناباروری زوج‌ها. اگرچه پیش از دو دهه از ساخت فیلم می‌گذرد، اما موضوع و مضمون آن تاریخ مصرف پزشکان و کادر درمان و متخصصان همواره درباره این موضوع تلاش می‌کنند و ایران در این زمینه جزو کشورهای پیشرفته در بحث درمان ناباروری است، اما رسانه‌ها هم وظیفه و نقش مهمی در اطلاع‌رسانی درست در این خصوص دارند. به‌ویژه رسانه تأثیرگذار سینما می‌تواند با توجه به گستردگی و قدرت اثرگذاری، نقش مهمی در اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی داشته باشد. اگر این خلق اثر از سوی چهره‌هایی شناخته شده و محبوب صورت بگیرد چه بهتر و می‌توان امیدوار به اثرگذاری بیشتر موضوع بود. اتفاقی که با داشتن یا نداشتن نیکی کریمی افتاده است. دکتر شیرین احمدنیا، جامعه‌شناس پزشکی چند سال پیش در نشست تخصصی «سینما - سلامت» که با همکاری انجمن جامعه‌شناسی ایران و با حضور افراد دیگری چون نیکی کریمی و دکتر نیره توکلی، جامعه‌شناس و دکتر خرازی‌ها برگزار شد، گفت: «من نگران بوم خانم کریمی که بیشتر بنا بر محبوبیت‌شان به عنوان بازیگر شناخته شده بودند، به این حیطه آشنایی کافی نداشته باشند اما اینک، با مشاهده فیلم به کارگردانی ایشان، خوشحالم که این‌طور موفق یا به این عرصه گذاشتند. سینماگران ما جامعه‌شناسان خوبی هستند و وقتی هنرمندان وارد مسائل جامعه می‌شوند بهتر از بسیاری از ما، که در عرصه‌های علمی فعالیت می‌کنیم، می‌توانند در این زمینه اطلاع‌رسانی کنند و به سبب داشتن مخاطب عام، آگاهی و پیام‌رسانی بیشتری در جامعه انجام دهند.»



نقش عباس کیارستمی

تهیه‌کنندگی فیلم داشتن یا نداشتن را عباس کیارستمی به عهده داشت. نیکی کریمی در مصاحبه‌ای گفته بود اولین و آخرین نمای مستند را خود کیارستمی فیلمبرداری کرد. باوجود حمایت کیارستمی در ساخت این فیلم و ورود نیکی کریمی به عرصه کارگردانی، کریمی در همان نشست تخصصی سینما، سلامت مورد اشاره، انگار جمله‌ای به کنایه درباره کیارستمی مطرح کرد. او گفت: آقای کیارستمی برای ساخت فیلم «ده» تحت تأثیر فیلم من بودند اما متأسفانه آقایان در مصاحبه‌هایشان هیچ وقت به این مسائل اشاره نمی‌کنند.

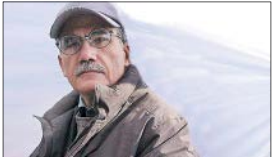
اما اگرهای مستند

آن خانمی که در شروع فیلم، سوار خودروی نیکی کریمی می‌شود و درباره موضوع ناباروری با کارگردان صحبت می‌کند، بازیگری به نام مریم کاظمی است که بیشتر در تئاتر و به‌ویژه در زمینه کودک و نوجوان فعالیت می‌کند. کاظمی باوجود سال‌ها فعالیت، شاید چهره چندان آشنایی برای مردم نباشد، به‌ویژه در ۲۱ سال قبل و موقع حضور در فیلم. این‌که کریمی از یک بازیگر برای سکانس آغازین فیلم استفاده کرده، شاید فیلم را از یک مستند صرف دور کند و شائبه‌هایی را هم برای دیگر لحظات فیلم به وجود آورد. البته چون بقیه افراد حاضر در فیلم، آشنا نیستند می‌توان واقعی بودن این شخصیت‌ها را پذیرفت. در ضمن حضور کاظمی و احتمالاً بازی او در نقش زنی که با موضوع ناباروری درگیر است و برای درمان به مرکز مطالعات و درمان ناباروری روایت مرابعه می‌کند، به قدری درست و باورپذیر و ملموس است و اگر تماشاگر با او آشنایی نداشته باشد، ماجرای او را واقعی می‌پندارد. کیفیت حضور او حتی برای تماشاگر آشنا با او هم استاندارد است و باعث همراهی مخاطب با موضوع و مشکل زنان و زوج‌های این چنینی می‌شود. مورد دیگر این‌که روایت

کریمی بیشتر زنانه است و به جز یک مورد، این زنان هستند که از خود و مشکلات ناباروری می‌گویند. شاید به دلیل این‌که فیلمساز هم یک زن است و دغدغه‌های زنانه دارد و مورد دیگر این‌که این بیشتر زنان هستند که در فرهنگ ایرانی و برخی باورهای نادرست، بیشتر مقصر جلوه می‌کنند. نکته دیگر این‌که کریمی به بحث‌های دیگر مرتبط با نازایی و ناباروری همچون متوسل شدن به درمان‌های طب سنتی یا باورهای جادویی یا خرافی که در این زمینه شایع است، ورود نمی‌کند. همچنین جای اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی هم در این فیلم خالی است و فیلمساز می‌توانست دست کم با یکی دو مساجحه در این فضا، وجه معنوی و امیدوارانه‌اش را تقویت کند. اما حالا باوجود برخی امتیازات و اشاره به امیدی که زوج‌ها را برای باروری به مرکز مطالعاتی و درمانی می‌کشاند، به نظر می‌رسد می‌شد بیشتر از این، امید و توکل را در فیلم به تصویر کشید. فیلمساز می‌توانست همان‌طور که سراغ مشکلات نازایی و ناباروری و همین‌طور مشکلات خانواده‌های پرفرزند تندگست و از طبقات محروم جامعه رفت، سراغی هم از خانواده‌های دارای فرزند بی‌برود که اتفاقاً از وضعیت خود رضایت دارند و همه مسائل تربیتی و آموزشی ممکن را برای بزرگ کردن فرزندان‌شان شایسته و صالح، رعایت کرده‌اند و می‌توانند الگویی مناسب برای ترویج فرهنگ فرزندآوری در جامعه باشند. باوجود این ساخت و نمایش چنین مستندها یا آثار نمایشی مرتبط در جامعه‌ای که میل و علاقه به داشتن فرزند دارد و برای زنان و مردانی که دوست دارند از نعمت مهر مادری و پدری برخوردار باشند، از ضرورت‌های فرهنگی و اجتماعی است. البته که اگر میزان امید و توکل و توجه به اعتقادات و باورهای جامعه نیز در آنها مشهود و باز باشد چه بهتر. نمایش پیشرفت‌های پزشکی کشور در کنار اشاره به ماجرایی که حتماً می‌دانید. لیلاً اگرچه فیلم خوش ساخت و اصلاح فرهنگی شود و هم امیدواری‌ها را برای زوج‌های ناباور به‌طرز چشمگیری افزایش دهد.

روایت‌های سینمایی

مشهورترین و ماندگارترین فیلم سینمای ایران با موضوع نازایی و ناباروری، فیلم لیلا به کارگردانی داریوش مهرجویی است؛ فیلمی که او فیلمنامه آن را براساس داستانی از مهناز انصاریان نوشت. لیلا حاتمی در این فیلم نقش زن جوانی به نام لیلا را بازی می‌کند که بعد از ازدواج با رضا (علی صفی) متوجه می‌شود نمی‌تواند بچه‌دار شود. عدم موفقیت درمان‌های مختلف با طعنه‌های مادرشوهر (با بازی مرحوم جمیله شیخی) بحران را تشدید می‌کند و باقی ماجرا که حتماً می‌دانید. لیلا اگرچه فیلم خوش ساخت و تأثیرگذاری است، اما متأثر از همان نگاه نامناسب جامعه و گرفتن انگشت اتهام به سمت زنان ناباور است. فیلم‌های نازنین به کارگردانی علیرضا داوودنژاد و یک بار برای همیشه به کارگردانی سیروس الوند هم با محوریت به دنیا آوردن فرزند روایت می‌شوند که البته هر دو پایان خوشی دارند و زوجین راه درست را انتخاب می‌کنند.



جلوی رشد و تعالی سینما را می‌گیرد و قطعاً اگر دخالت ناه و جا به نام‌مسئولانه مدیران سینمایی نبود تاکنون بخش اعظمی از مشکلات سینما به دست خود سینماگران برطرف شده بود. او ادامه داد: ما نه سندیکیایی داریم که از حقوق صنفی و برحمان دفاع کند، نه بیمه درست و درمانی داریم و نه امیدی به آینده متأسفانه در سینما فقط تعداد انگشت شماری هستند که وضعیت مالی خوبی دارند و جالب آنجاست که اگر مواهبی هم هست به همین افراد تعلق می‌گیرد. سؤال ما این است که چرا مواهب به همه یکسان اعطای می‌شود؟ چرا باندانمکاری میان اهالی سینما فرق گذاشته می‌شود و این تفاوت قائل شدن باعث بحران و تشتت می‌گردد. هدایت سپس در پاسخ به این‌که نقش خانه سینما را برای حمایت از حقوق صنفی اهالی سینما تا چه میزان مؤثر می‌دانید، اظهار کرد: خانه سینما نهادی دکوری و ناکارآمد است. خانه سینما از همان بدو تأسیس تاکنون هیچ کار اجرایی جدی برای اهالی سینما انجام نداده و متأسفانه طی همه این سال‌ها مدیرانی که در خانه سینما حضور پیدا کرده‌اند فقط به فکر مسائل و دغدغه‌های شخصی‌شان بوده‌اند و بس. این سینماگر تأکید کرد: این در حالی است که اهالی سینما باید هویت حقوقی پیدا کنند، ما نیاز داریم تا مدیرانی بر سرکار بیایند که به جای دستورالعمل و جلسات بیهوده به فکر این باشند که سروسامان جدی سندیکیایی به اهالی سینما بدهند. صنف خانه سینما هیچ حمایتی از اعضای‌شان ندارند و وقتی صنف واقعی نباشد، امیدی به جایی نیست. اما وقتی صنف درست و درمانی وجود داشته باشد، امید به حمایت در دل اهالی سینما زنده می‌شود.

بلال حاتمی در اینکه نقش یک زن نابارور را بازی می‌کند